

## تعهدات ثانویه در حقوق بین‌الملل

سید هادی پژوهمان \*

نغمه ناصری لاریجانی \*\*

### چکیده

نظام حقوقی بین‌المللی از قواعد و هنجارهای مختلفی تشکیل یافته است که در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان آنها را در دو حوزه تعهدات اولیه و تعهدات ثانویه بین‌المللی قرار داد. تابعان نظام ملل متحد به منظور ایجاد و استقرار نظم و قاعده‌مندی مطلوب در عرصه بین‌المللی، می‌بایست ارتباط میان قواعد موجود در هر یک از این حوزه‌ها را در نظر آورده و سپس در مقام ایفای تکالیف بین‌المللی برآیند. تعهدات اولیه بین‌المللی که تابعان بین‌المللی را ملزم به فعل یا ترک فعلی خاص می‌کند به بهترین شکل در معاهدات بین‌المللی متجلی می‌گردد که از رهگذر آن، تابعان خواستار آتند تا بر اساس اراده‌هایی همسو، قواعدی بین‌المللی به وجود آورند. در کنار این، از قواعد حقوق مسئولیت بین‌المللی باید تحت نام تعهدات ثانویه بین‌المللی یاد کرد که به موجب آن هر دولتی می‌باید پاسخگوی نقض یک تعهد بین‌المللی از سوی خود باشد. گستردگی دایره عملکرد قواعد مسئولیت بین‌المللی به عنوان تعهدات ثانویه تا بدانجاست که در کنار ایستادن در مقابل هر گونه نقضی از قواعد حقوق معاهدات، مقررات خود را به طور یکسان بر نقض تعهدات معاهده‌ای و تعهدات غیر معاهده‌ای اعمال می‌نماید.

واژه های کلیدی : تعهدات اولیه بین‌المللی، تعهدات ثانویه بین‌المللی، حقوق معاهدات بین‌المللی، حقوق مسئولیت بین‌المللی

\* عضو هیأت علمی موسسه آموزش عالی غیر دولتی و غیر انتفاعی شمال (أمل) sayedhadi\_pazhouman@yahoo.com

\*\* مدرس موسسه آموزش عالی غیر دولتی و غیر انتفاعی شمال (أمل)

## مقدمه

نظام حقوق بین‌المللی، نظامی است سراسر انباشته از قواعد علمی مختلف به گونه‌ای که متخصصین حقوق بین‌الملل را بر آن داشته تا از طریق قرار دادن این قواعد در شاخه‌ها و شعب مختلف بین‌المللی، در راستای مطالعه هر چه دقیق‌تر آنها گام بردارند این مسأله ابتدا این نتیجه را در بر داشته است که تابعان نظام ملل متحد در راستای ایفای تعهدات بین‌المللی‌شان آنها را در دو قالب تعهدات اولیه و تعهدات ثانویه در نظر آورده و از این رهگذر چگونگی التزام و ضمانت اجرای مترتب بر نقض تعهدات بین‌المللی را تعیین نمایند.

دولتها در عرصه روابط بین‌الملل به فعل یا ترک فعل خاص ملتزم هستند که بی‌تردید بر اراده موافق آنها مبتنی می‌باشد، اما در همین زمان، تعهدات دیگری در نظام بین‌المللی وجود دارد که از آنها تحت عنوان تعهد ثانویه بین‌المللی یاد می‌شود که لازمه حفظ تعادل و جلوگیری از برهم خوردن نظم در عرصه روابط بین‌المللی می‌باشد. لذا اندک توجهی از سوی دولتها به وجود این دسته از تعهدات کافی خواهد بود تا آگاهانه یا ناآگاهانه در مقام نقض تعهدات بین‌المللی خود برنیایند. مقاله حاضر نیز بر آن است تا هر چند به اختصار، پیوند میان این دو دسته از تعهد و گستردگی اجرای تعهدات ثانویه بین‌المللی را به تصویر کشد و نشان دهد که تعهدات ثانویه بین‌المللی به مجرد نقض یک تعهد بین‌المللی، منصرف از نوع منشأ آن، پا به عرصه خواهند گذاشت.

## الف: یکپارچگی قواعد در نظام حقوقی بین‌المللی

روابط میان اشخاص یا موضوعات حقوق بین‌الملل بر اساس قواعد معتبر حقوقی بین‌المللی تنظیم می‌شود، این قواعد اعم از اصول و مقررات است و آنگاه که حاکی از قواعد کلی و عمومی و زاینده شرایط و مقتضیات بوده و بر اشخاص حقوق بین‌الملل و روابط آنها با یکدیگر تحمیل می‌شود «اصول» نامیده می‌شود و مقصود از «مقررات» هم قواعد خاص و دقیق است که بر خاسته از رضایت و اراده اشخاص حقوق بین‌الملل بوده که گاه به صورت صریح [معاهده] و گاه ضمنی [عرف] متجلی می‌گردد. (ذوالعین، ۱۳۷۷، صص ۲۹/۲۸)

بررسی دقیق نظام حقوقی بین‌المللی، بیش از هر چیز یکپارچگی قواعد موجود در حوزه‌های مختلف آن را آشکار می‌سازد که این مسأله، خود از لزوم رعایت همه جانبه قواعد حقوق بین‌الملل حکایت دارد. در واقع باید چنین گفت که میان قواعد قابل اعمال در نظام بین‌المللی نوعی انسجام و پیوستگی وجود دارد که مدنظر قرار دادن آن از سوی تابعان بین‌المللی، نظم و هماهنگی مطلوب را برای جامعه بین‌المللی، به ارمغان خواهد آورد.

#### ۱- مبنای ایجاد تعهد در جامعه بین‌المللی

همبستگی دولتها در روابط بین‌المللی اساساً از زمانی به وجود آمد که تغییر در مبنای قدرت و نفوذ هر یک، تعادل روابط ناشی از قدرت را در میان آنها بر هم زد. به همین جهت برای آنکه مبدا قدرتی برتر از میان آنها سر برآورد و نتیجتاً اراده‌اش را بر دیگران تحمیل کند و نهایتاً به قدرتی جهانی مبدل گردد، در میان دولتها نوعی همبستگی فکری برای ایجاد تعادل در قدرت پدید آمد (فلسفی، ۱۳۷۹، ص ۳۵) دکتربین ارادی واجد این معناست که اراده دولتها، مبنای الزام‌آور قواعد حقوق بین‌الملل است. بر اساس این دکتربین، قواعد حقوق بین‌الملل آنگاه به صورت حقوق موضوعه در می‌آیند که اراده دولتها چه به صورت صریح و چه ضمنی، بر آن تعلق گرفته باشد. دکتربین رضایت در بر دارنده آن است که رضایت یا رضایت مشترک دولتها که به طور ارادی در جامعه بین‌المللی ابراز می‌گردد، مبنای قواعد حقوق بین‌الملل است. در واقع، دولتها با اعلام رضایت خود به قواعد حقوق بین‌الملل ملتزم می‌شوند. (Kanton, 2005, PP, 9&8)

اما در کنار این، برابری کشورها در عرصه روابط بین‌المللی که لزوم پایبندی آنها به رعایت تعهداتشان را در پی دارد، تکلیفی خارج از رهگذر توافق نیز بر آنها بار می‌کند. بدین صورت که ناقضان یک تعهد بین‌المللی باید پاسخگو بوده و در صدد جبران برآیند. این قواعد حقوق مسئولیت

بین‌المللی است که به هنگام نقض یک تعهد بین‌المللی پا به میان گذاشته و خواسته یا ناخواسته، دولت‌ها را ملزم می‌کند.<sup>۱</sup>

### ۱-۱ تعهدات مبتنی بر اراده

پویایی نظام حقوق بین‌الملل بیانگر آن است که هر زمان که دولتها در زمینه موضوعی خاص، با خلأیی حقوقی مواجه شده و نیازمند یک قاعده حقوقی بین‌المللی بوده‌اند با انعقاد معاهده‌ای بین‌المللی و بر اساس اراده‌های موافق و همسو خلأ موجود را پُر کرده و قاعده‌ای حقوقی ایجاد کرده‌اند که خود واجد آثاری حقوقی است. یک تعهد معاهده‌ای، تعهدی بر آمده از یک توافق بین‌المللی است که بر اراده طرفهای آن مبتنی می‌باشد. در کنار این تعهدات، تعهدات عرفی بین‌المللی نیز از دیگر حوزه‌هایی است که اراده تابعان در آن به طور ضمنی تجلی یافته و مبنای بسیاری از قواعد بین‌المللی می‌گردد. در نتیجه شکل‌گیری و انعقاد هر معاهده جدید بین‌المللی، لزوماً به معنای آن نیست که طرفهای آن معاهده خلأیی حقوقی را مرتفع نموده‌اند بلکه چه بسا از رهگذر این انعقاد در مقام تدوین یک قاعده عرفی از پیش موجود بر آمده باشند. در کنار تأکید بر ارزش خاص قواعد عرفی بین‌المللی، باید اذعان داشت که در عرصه روابط بین‌المللی، معاهده بین‌المللی مهمترین سندی است که اراده تابعان بین‌المللی در آن به نحوی صریح متجلی می‌گردد. در تأیید این امر اشاره به این نکته کافی خواهد بود که دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در رسیدگی به اختلاف فی ما بین دو کشور ابتدا سعی بر آن دارد که وجود یا عدم وجود یک معاهده بین‌المللی میان طرفین اختلاف را احراز نماید. این مساله هر چند به اصل عدم وجود سلسله مراتب شکلی

<sup>۱</sup> کشورهای بر اساس حاکمیت و صلاحیتی که طبق حقوق بین‌الملل دارا می‌باشند در تمام مسائل و امور با آزادی کامل و با پیروی از مقررات بین‌المللی تصمیم می‌گیرند، اما در مقابل این قدرت تصمیم‌گیری و اعمال صلاحیت مستقل است که موضوع مسئولیت آنها نسبت به یکدیگر پیش می‌آید. (ضیائی بیگلری، حقوق بین‌الملل عمومی، ۱۳۸۵، صص ۴۶۶ و ۴۶۷).

۱- البته در کنار تعهدات مبتنی بر اراده باید از اصول کلی حقوقی، دکترین و رویه قضایی بین‌المللی (که دو مورد اخیر از منابع فرعی حقوق بین‌الملل می‌باشند) قواعد آمده بین‌المللی، قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و اعمال حقوقی یک‌جانبه دولتها نیز از دیگر مبنای ایجاد تعهد در نظام بین‌المللی یاد کرد. برای اطلاعات بیشتر می‌توانید رک به: همان منبع، صص ۱۹۷-۹۳.

میان منابع حقوق بین الملل خدشه ای وارد نمی سازد اما بیانگر آن است که جامعه بین المللی هر کجا که سخن از تعهدات ارادی به میان می آید ابتدا رو به سوی معاهدات بین المللی دارد.

## ۲-۱ تعهدات غیر ارادی

در کنار الزامات بین المللی مبتنی بر اراده دولتها، باید گفت که در عرصه روابط بین المللی از وقایعی سخن به میان می آید که چنانچه تحقق یابد، اثر مترتب بر آن از رهگذری خارج از اراده طرفها، تعیین می گردد. این همان حوزه ظهور قواعد حقوق مسئولیت بین المللی یا الزاماتی خارج از اراده طرفهاست که در آن رابطه طرفینی و مبتنی بر اراده نبوده، بلکه به طور خود به خود پدید می آید. عمل متخلفانه، رابطه ای میان مرتکب و قربانی پدید می آورد که فارغ از اراده آنها، به وجود آورنده تعهداتی خواهد بود.<sup>۱</sup> (زمانی، تقریرات درس حقوق مسئولیت بین المللی، ۱۳۸۵، دانشگاه علامه طباطبایی)

به تعبیر دیگر، این قسم تعهدات مولود اراده های صریح و روشن از پیش موجود نیست. در نتیجه برای تعیین پیامد و آثار حقوقی بین المللی، در مواردی باید به دنبال قواعدی بود که چه بسا محصول خواست و اراده دولتها نباشد. در واقع، اصل تساوی حاکمیت کشورها که برقراری یکسان حقوق و تکالیفی بین المللی را بر اساس منابع حقوق بین الملل برای تابعان آن رقم خواهد زد، دربردارنده این معناست که کشورها از یک سو با اراده های آزاد و برابر مأخوذ و متعهد به قواعد موضوعه بین المللی بوده و از سوی دیگر همین حاکمیتهای برابر است که آنها را به پاسخگویی در برابر نقضی از قواعد حقوق بین الملل وا می دارد. این حوزه، جایگاه ظهور قواعد مسئولیت حقوقی بین المللی است و در آن سخن از تکالیفی است که بر اساس حقوق بین الملل بر یکی از تابعان آن

۲- در حقوق داخلی در تعریف واقعه حقوقی گفته شده: «رویدادی است که اثر آن به حکم قانون معین می شود و اراده و انشاء مرتکب سبب اصلی آن آثار نیست.» (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۹) این تعریف را به منظور مشخص کردن حوزه هایی که اراده تابعان بین المللی در آن نقشی ندارد، با اندک تغییراتی می توان به حوزه بین المللی تسری داد. در واقع، با تحقق یک واقعه حقوقی بین المللی، بدون لزوم وجود رابطه ای قراردادی بین دولتها، قواعد حقوق بین الملل عام در زمینه مسئولیت بین المللی است که دولتها را ملزم می سازد.

نظام تحمیل می‌شود تا خسارات ناشی از نقض قواعد حقوق بین‌الملل را جبران کند (زمانی، توسعه مسئولیت بین‌المللی در پرتو..... مجله پژوهش‌های حقوقی ۱۳۸۱، ۱۰۲، صص ۲۹ و ۳۰)

## ۲- ارتباط میان تعهدات اولیه و تعهدات ثانویه بین‌المللی

معاهدات بین‌المللی مهمترین منبع در اختیار دولتها هستند که در پرتو آن دولتها گامی هماهنگ در راستای ایفای تکالیف بین‌المللی خود بر می‌دارند. در کنار این در عرصه بین‌المللی سخن از وقایعی است که بدون لزوم وجود اراده اولیه، دولتها را به تکالیفی ملزم می‌سازد. این بدان معناست که حوزه‌های حقوق معاهدات و حقوق مسئولیت بین‌المللی به عنوان عمده‌ترین حوزه التزام دولتها، از نوعی به هم پیوستگی دقیق برخوردارند که یکی در صورت نقض دیگری ظهور می‌یابد. امروزه نظم موجود در عرصه بین‌المللی را تا اندازه زیادی می‌بایست مرهون ارتباط تنگاتنگ میان این دو دسته از تعهدات دانست و تابعان بین‌المللی را بر در نظر گرفتن هر چه بیشتر این ارتباط به شیوه علمی فراخواند.

## ۲-۱ مفهوم کلی تعهدات اولیه و تعهدات ثانویه بین‌المللی

تعهدات معاهده‌ای که دولتها را ملزم به فعل یا ترک فعلی خاص می‌کنند و از آنها تحت عنوان تعهدات اولیه یاد می‌شود، در دل خود در بر دارنده تعهدات فرعی و ثانویه‌ای هستند که همان قواعد حقوق مسئولیت بین‌المللی است (زمانی، تقریرات درس حقوق مسئولیت ...، پیشین) که در صورت نقض قواعد اولیه پا به میان می‌گذارند. در واقع، از آنجا که توسعه روزافزون روابط میان دولتها پس از سال ۱۹۴۵، رشد قابل توجه قواعد اولیه را در پی داشت، رفته رفته ثابت شد که وجود صرف این قواعد اولیه، نظم لازم را ایجاد نخواهد کرد، بلکه بر عکس، وجود انبوهی از قواعد اولیه سازمان نیافته نظام حقوق بین‌الملل را بیش از پیش پیچیده خواهد کرد. از این رو، قواعد اولیه باید به قواعد ثانویه خاصی مجهز شوند که اجرای مناسب آنها را تضمین کند و مشکلات موجود را از میان ببرد. (Marschik, Too Much Order? ... EJTL 1998, p. 212) در نتیجه، قواعد حقوق معاهدات چه از حیث زمانی (زمان اجرا) و چه از حیث منطقی

قواعد اولیه هستند و قواعد حقوق مسئولیت قواعد ثانویه را تشکیل می‌دهند. قواعد ثانویه زمانی اعمال و اجرا می‌شوند که قواعد اولیه نقض شده باشند. (ضیایی بیگدلی، حقوق معاهدات بین‌المللی، ۱۳۸۵، ص ۲۶۹) البته در اینجا ذکر این نکته، خالی از فایده نخواهد بود که با توجه به شأن و جایگاه واحد منابع حقوق بین‌الملل، این تعبیر و استنتاج نیز صحیح است که بگوییم همه منابع حقوق بین‌الملل را می‌توان به نوعی در یک کفه ترازو قرار داد (تعهدات اولیه) و قواعد حقوق مسئولیت را در کفه دیگر؛ اما از آنجا که سیر تحول حقوق بین‌الملل در عصر ما بیشتر به طریق قراردادی (معاهده‌ای) صورت می‌پذیرد، به همین مناسبت روند نظام ملل متحد بیشتر بدان سر است که معاهدات را حائز عنوان تعهدات اولیه قرار دهد.

## ۲-۲- ایفای تکالیف معاهده‌ای به عنوان تعهدات اولیه

در نظام بین‌المللی از قواعد حقوق معاهدات، به عنوان قواعد یا هنجارهای اولیه یاد می‌شود. به طور خلاصه، تکلیف دولتها به رعایت تعهداتشان بر اساس معاهدات، صرفاً از رضایت آنها به پذیرش معاهده ناشی نمی‌شود، بلکه از عضویت آنها در جامعه‌ای نشأت می‌گیرد که در بستر خود به دولتها، وضعیت عضویت (دولت بودن) از جمله اهلیت انعقاد معاهده را اعطاء می‌کند. (رستم‌زاد، جامعه بین‌المللی و تعهدات بین‌المللی ...، مجله حقوقی، ۱۳۸۴، ص ۲۴). تکلیف به اجرای تعهدات برآمده از یک معاهده بین‌المللی به قدری آشکار است که یک معاهده حتی در صورت عدم درج در آن، تمام محدوده زمینی، آبهای داخلی و دریای سرزمینی، فضای جوی مافوق آنها و هر کجا که دولتهای طرف آن دارای حاکمیت هستند را در بر می‌گیرد. (Aust,

۱- در واقع باید گفت که «بنیای خصوصیت یا نیروی الزام حقوق معاهدات، اصل وفای به عهد یا احترام به عهد است که این ویژگی غالباً به منزله نوعی «قانون قوانین» شناخته شده است.» (ماده ۲۶ عهدنامه وین ۱۹۶۹ حقوق معاهدات، ضیایی بیگدلی، حقوق معاهدات بین‌المللی، پیشین، ص ۱۱۶) «این اصل و اصل حسن نیت باید در اجرای معاهده، تماماً در نظر گرفته شوند.» (ماده ۱۸ عهدنامه وین ۱۹۶۹ حقوق معاهدات، فلسفی، پیشین، ص ۳۲۲) برای دستیابی به متن فارسی عهدنامه ۱۹۶۹ حقوق معاهدات می‌توانید رک به: محمد رضا بیگدلی، حقوق معاهدات بین‌المللی، تهران، چاپ سوم، انتشارات گنج‌دانش، ۱۳۸۵ صص ۳۴۸-۳۱۸ و برای دستیابی به متن انگلیسی Anthon Y Aust, Modern Treaty Law and Practice, Cambridge University Press, 2000, pp.366-397.

(2000, P.162) در نتیجه یک دولت طرف یک معاهده بین‌المللی با تمام سرزمینش در قبال انجام تعهدات ناشی از آن مسئولیت دارد. (Donald k Anton, op. cit. p.259) طرفهای یک معاهده بین‌المللی با ایفای هر چه بهتر تعهدات ناشی از آن و اجرای این قواعد اولیه، به نظم بین‌المللی دلخواه خود دست خواهند یافت.

### ۲-۳ قواعد حقوق مسئولیت به عنوان تعهدات ثانویه

قواعد حقوق مسئولیت به عنوان تعهدات ثانویه بین‌المللی شناخته می‌شود که در نتیجه نقض تعهدات اولیه به فعل یا ترک فعل خاص ظهور می‌یابد این مسئله نخستین بار توسط آقای روبرتو آگو مخبر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل در سالهای ۱۹۷۹-۱۹۶۹ مورد شناسایی قرار گرفته است. (Dupuy, A General Stoktaking of the..., EJTL 2000, P.1059) مسئولیت حقوقی بین‌المللی، تکلیفی است که به موجب قواعد حقوق بین‌الملل به یک دولت تحمیل می‌گردد، تا خساراتی را که در نتیجه نقض قواعد حقوق بین‌الملل به یک دولت دیگر وارد کرده است جبران کند. (فیوضی، ۱۳۷۹، صص ۲۵ و ۲۶) در هر نظام حقوقی، مسئولیت به عنوان یک تاسیس حقوقی از جایگاهی ویژه برخوردار است، چرا که عملکرد درست و مناسب تابعان هر نظام تا حد زیادی از میزان کارایی اصول و قواعد مسئولیت تاثیر می‌پذیرد. (زمانی، جایگاه اصول و قواعد مسئولیت بین‌المللی دولتها در ...، مرکز پژوهشهای مجلس، ۱۳۸۴، ص ۹۵) در واقع در کنار قواعد اولیه که در صدد تاثیرگذاری مستقیم بر عملکرد دولتها می‌باشند، قواعد حقوق مسئولیت به عنوان هنجارهای ثانویه در پی آنند که اساس و ماهیت قاعده بین‌المللی در بردارنده تعهد اولیه را به طور عملی مورد شناسایی قرار دهند. (YILC, 1969, P.109, para 5)

### ۲-۴ ایجاد تعهد ثانویه به دنبال نقض تعهد اولیه

نقض یک قاعده همیشه به منفعتی که مورد حمایت قرار گرفته صدمه وارد کرده و منفعت بر آمده از حق یک دولت را در معرض خطر قرار می‌دهد. (Dupuy, Dionisio Anzilotti and the law..., EJIL 1962, P.145) با عنایت به تعبیر مجمع عمومی سازمان ملل متحد در دهه



حقوق بین‌الملل ۱ که جامعه بین‌المللی از نیاز مبرم به توسعه روزافزون حقوق بین‌الملل و نیز لزوم اتخاذ تدابیری در راستای تضمین اجرای قواعد حقوق بین‌الملل آگاهی یافته است، (Tunkin, Is (General International Law... , EJIL 1993,P.534) ذکر این نکته حائز اهمیت است که پیامدهای منفی یک عمل متخلفانه بین‌المللی، از نقض صرف یک تعهد فراتر می‌رود، منظور این است که عمل متخلفانه علاوه بر تعهد اصلی، منیع اصلی تعهد یعنی قاعده منشأ تعهد را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. (Rueter, 1995, p. 194) از این روست که لزوم وجود قواعد ثانویه و ظهور آنها در زمان نقض قواعد اولیه و در جهت کارآیی هر چه بیشتر این قواعد خود را به خوبی آشکار می‌سازد؛ بدین صورت که پس از تحقق شرایط لازم برای احراز یک عمل متخلفانه بین‌المللی که همانا قابلیت انتساب عمل متخلفانه بین‌المللی به یک دولت و نقض تعهد بین‌المللی از سوی آن دولت است ( ماده ۲ طرح مسئولیت بین‌المللی دولتها) ۲ حوزه عملکرد قواعد حقوق مسئولیت آغاز می‌شود و اجرای این قواعد متعاقب نقض قواعد اولیه، ( تعهد به فعل و ترک فعلی خاص) حکایت از به هم پیوستگی این هنجارها در نظام بین‌المللی دارد.

## ۲-۵ تاثیر قواعد حقوق مسئولیت بر استقلال حقوق معاهدات

بحث از قواعد حقوق معاهدات، به عنوان تعهدات اولیه، و قواعد حقوق مسئولیت، به عنوان تعهدات ثانویه، و ارتباط متقابل آنها با یکدیگر تا اندازه‌ای متاثر شدن قواعد حقوق معاهدات از قواعد حقوق مسئولیت را بر ما آشکار می‌سازد، بدین صورت که عهدنامه وین توجه خود را بر انعقاد و خاتمه معاهدات معطوف می‌سازد، اما چگونگی اجرای این مواد و نتایج تخلف از آنها به تصریح ماده ۷۳ عهدنامه وین از شمول آن خارج شده، توسط قواعد حقوق مسئولیت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. (Crawford, The Exception of Non- Performance..., Australian

۱- در ۱۷ نوامبر ۱۹۸۹، مجمع عمومی طی قطعنامه ۲۴/۲۳ - سالهای ۱۹۹۹- ۱۹۹۰ را به عنوان دهه حقوق بین‌الملل اعلام نمود.

۲- برای دستیابی به متن طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی دولتها به همراه نظریات تفسیری آن رک به:

James Crawford, The International Law Commission's Articles on State Responsibility, Oxford University Press, 2002, pp: 61-72.

(YILC 2000, P.5) قواعد عهدنامه وین ۱۹۶۹ به رغم استقلال ظاهری، در بسیاری از موارد تحت تاثیر قواعد حقوق مسئولیت قرار می‌گیرد.

دیوان بین‌المللی دادگستری در رای سال ۱۹۹۷ راجع به قضیه پروژه گابچی کوو- ناگی ماروس (مجارستان- اسلواکی) دقیقاً به این مورد اشاره کرده، اشعار می‌دارد: «درست است که تصمیم‌گیری در مورد لازم‌الاجرا بودن یک عهدنامه و این که آیا به واقع معلق شده یا خاتمه یافته باید مطابق حقوق معاهدات انجام شود، اما از طرف دیگر ارزیابی قلمرو مسئولیت دولتی که خلاف حقوق معاهدات به تعلیق یا خاتمه یک معاهده بین‌المللی می‌پردازد باید بر مبنای حقوق مسئولیت دولتها تعیین گردد. لذا عهدنامه وین ۱۹۶۹ خود را به تعیین شرایطی محدود می‌کند که یک معاهده قانوناً بتواند خاتمه یابد یا معلق شود، در حالی که اثرات خاتمه یا تعلیقی که فاقد چنین شرایطی است، صراحتاً از گستره‌ی عهدنامه و موجب ماده ۷۳ خارج می‌شود. (ICJRep. 1997, p. 35, para. 47)

ب: اجرای یکسان قواعد حقوق مسئولیت بر نقض تمامی تعهدات بین‌المللی

در زمان تدوین قواعد راجع به مسئولیت بین‌المللی دولتها، همواره این امر مورد توجه بوده است که مسئولیت بین‌المللی دولت، نتیجه‌ی عدم انجام تعهد حقوقی از سوی آن دولت است، بدون توجه به ماهیت تعهد و موضوعی که این مساله بدان مربوط است. (YILC 1969, P. 107, para 25) ماده ۱۲ طرح مسئولیت بین‌المللی دولتها، ضمن تایید این مطلب، مقرر می‌دارد: «صرف‌نظر از منشأ یک تعهد بین‌المللی نقض آن زمانی صورت می‌گیرد که عمل ارتكابی با تعهدات آن دولت منطبق نباشد» دیوان دآوری بین‌المللی در قضیه Rainbow Warrior این اصل را صراحتاً مورد تایید قرار داده است که: «اصول کلی حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی

۱- مطالب مربوط به رای دیوان در این قضیه بر گرفته است از: [http:// www. Icj. Cij. Org](http://www.Icj.Cij.Org) همچنین عهدنامه در کنار بحث راجع به اختتام و تعلیق معاهدات به موضوعاتی مانند جبران خسارت برای نقض یک معاهده نپرداخته است و این از موضوعاتی است که در قلمرو قواعد مسئولیت می‌باشد. ر.ک. YILC 1969, Vol,I, P. 111, para.27

به طور مساوی نسبت به نقض هر گونه تعهد بین المللی اعمال می گردد. از آنجا که در حقوق بین الملل هیچ تفکیکی میان مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی انجام نگرفته است، در نتیجه، نقض هر تعهدی از سوی یک دولت صرف نظر از ماهیت و منشاء آن تعهد، منجر به مسئولیت دولت و تعهد به جبران خسارت می گردد.» (ILR 1990, P. 551, para.45) روشن است که این اصل دقیقاً عکس آن چیزی است که در نظامهای حقوق داخلی مجرا است و در آن قواعد مسئولیتی مترتب بر فرد خاطی حسب مورد به مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی تقسیم می گردد. برای روشن شدن بیشتر مطلب در مبحث بعدی توضیحاتی می دهیم.

### ۱- دوگانگی نظام مسئولیت در سیستم های حقوقی داخلی

سیستم های حقوق داخلی با پشت سر نهادن مراحل تکامل، به عنوان نظامهای حقوقی پیشرفته، میان مسئولیت ناشی از قرارداد و الزامات خارج از قرارداد قائل به تفکیک می شوند. مسئولیت مدنی در سیستم های حقوقی داخلی، که عمدتاً به دو نظام مسئولیت قراردادی و قهری (غیر قراردادی) تقسیم می شود، معمولاً این گونه تعریف می شود: «مسئولیتی را که متعهد در صورت عدم انجام تعهدات ناشی از قرارداد در قبال متعهدله پیدا می کند، در اصطلاح مسئولیت قراردادی می نامند. به بیان دیگر، مسئولیت قراردادی عبارت از تعهدی است که در نتیجهی تخلف از مفاد قراردادها بر اشخاص ایجاد می شود»<sup>۱</sup>. (کاتوزیان، پیشین، ص ۱۷) اما به موازات مسئولیت قراردادی، مسئولیت غیر قراردادی ویژهی فرضی است که شخص از تعهدهای قانونی و عمومی سرپیچی کند و در نتیجه به دیگری ضرر بزند (همان، صص ۱۸ و ۱۷) یعنی مسئولیت ناشی از زبانی که با زیر پا نهادن قانون و تقصیر در قلمرو الزامات بدون قرارداد ایجاد گردد، مسئولیت قهری یا غیر قراردادی می نامیم. (قاسم زاده، ۱۳۷۸، ص ۱۷)

۱- برای این که یک نفر از نظر قراردادی مسئول قلمداد شود لازم است که اولاً قرارداد معتبری بین او و زیان دیده منعقد شده باشد. ثانیاً زیان وارده نتیجه عدم اجرای قرارداد باشد. (میشل لوراسا، ۱۳۷۵، ص ۳۳)

### ۱-۱ نقش تعیین کننده‌ی منبع تعهد در چگونگی مسئولیت در حقوق داخلی

بنا بر آنچه گفته شد روشن است که توجه به منبع تعهد، عامل اصلی در تعدد مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی در حقوق داخلی است. (سیفی، وحدت مسئولیت قراردادی و... مجله تحقیقات حقوقی، ۷۳-۱۳۷۲ ص ۲۰۳) حتی در مواردی که در قضیه‌ای خاص، شرایط هر دو مسئولیت جمع بوده و موضوع دعوی از مصداق‌های مشتبه بین مسئولیت قراردادی و قهری است، مدعی باید مبنای دعوی خود را مشخص نماید. (همان، ص ۲۰۲) در حقوق داخلی آنجا که یک قرارداد مبنای رابطه بین اشخاص بوده و اراده‌ها حاکم می‌گردد، مسئولیت مترتب بر نقض قرارداد از سوی هر کدام از طرف‌ها نیز قدرت اجرایی خود را از آن قرارداد می‌گیرد. در حالی که در الزامات بدون قرارداد، این نظم عمومی است که خدشه‌دار گشته، در نتیجه قانون است که حاکم می‌گردد.

### ۱-۲ آثار حقوقی تفکیک میان مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی در حقوق داخلی

تردید وجود ندارد که اغلب نظام‌های حقوقی دنیا در عمل، مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی را متمایز نموده و آثار حقوقی شکلی و ماهوی فراوانی را بر این تفکیک جاری می‌سازند. از جمله این وجوه افتراق عملی می‌توان به تفاوت در اثبات تقصیر، صلاحیت دادگاه، محاسبه مرور زمان، و مقدار و نوع خسارت اشاره نمود تأثیر این تمایز عملی به نحوی است که در اغلب نظام‌های حقوقی، این دو مسئولیت را به طور جداگانه مورد بررسی قرار داده و شرایطی را که طی آن هر یک از مسئولیت‌های قراردادی یا قهری می‌توانند ایجاد شوند و به طور جداگانه و تحت مقررات ویژه آن معین می‌سازند به طوری که به لحاظ این تعدد عملی، نظام مسئولیت قراردادی و قهری از مقررات مستقل و ویژه‌ای برخوردار است و آثار خاصی بر این تعدد مترتب می‌گردد و مدعی ناچار است مبنای دعوی خود را بر حسب این که قراردادی یا قهری است صریحاً مشخص سازد و نمی‌تواند قواعد این دو مسئولیت را با هم درآمیزد (همان) و بر همین اساس می‌توان گفت که دامنه مسئولیت شخص در حقوق داخلی و در نتیجه تحمل خسارات تابعی از مبنای آن خواهد بود و ممکن است در نمونه‌ای از مسئولیت غیر قراردادی، نقض شدید نظم عمومی به حدی باشد که با عنوان مجرمانه توصیف گردد.

## ۲- قلمرو اجرایی اصل نظام واحد مسئولیت بین‌المللی

ماده ۱۲ طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت بین‌المللی دولتها که ماهیت و نوع تعهد بین‌المللی را در تحقق مسئولیت بی‌تاثیر دانسته، دارای قابلیت اجرایی عام است، و نسبت به تمامی تعهدات بین‌المللی دولتها منصرف از ماهیتشان، اعمال می‌شود. تعهدات بین‌المللی ممکن است ناشی از یک قاعده‌ی عرفی حقوق بین‌الملل، یک معاهده یا یک اصل کلی حقوقی قابل اعمال در نظام حقوقی بین‌المللی باشند. همچنین دولتها می‌توانند با عمل یک جانبه تعهدات بین‌المللی را برای خود ایجاد کنند. یک تعهد بین‌المللی همچنین می‌تواند از تصمیم یک نهاد یا یک سازمان بین‌المللی که در موضوع مربوطه صلاحیت دارد یا حکم صادره میان دو دولت از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری یا دیگر محاکم و غیره ناشی شده باشد. (Crawford, The International..., 2002, p.126, para.3) شرط تحقق مسئولیت بین‌المللی که هم بر نقض‌های معاهده و هم به دیگر نقض‌ها نسبت به یک تکلیف قانونی مرتبط است (Brownlie, 1998, p. 437) آن است که تعهد بین‌المللی مزبور به هنگام ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی، برای آن دولت لازم‌الاجرا بوده باشد. (ماده ۱۳ طرح مسئولیت بین‌المللی دولتها)

## ۲-۱ لزوم بین‌المللی بودن ماهیت تعهد در تحقق نظام واحد مسئولیت

بنابر آنچه گفته شد دانستیم که در نظام حقوقی بین‌المللی، رژیم واحدی از قواعد مسئولیت در مورد نقض تعهدات معاهده‌ای و دیگر تعهدات بین‌المللی قابل اعمال است. در واقع برای تعهد نقض شده دارا بودن ماهیتی بین‌المللی کافی است که همواره قواعد مسولیتی یکسانی بر آن حاکم باشد. قواعد مسئولیت برای نقض هر تعهدی که به حقوق بین‌الملل تعلق دارد به طور یکسان جاری است. برای مثال اگر دولتی در رعایت احترام به یک معاهده قصور ورزد یا اگر حاکمیت سرزمینی دولت دیگر را نقض کند یا چنانچه به سرزمین یا اموال دولت دیگر خسارت وارد آورد و اگر نیروهای نظامی را علیه کشور دیگر به کار گیرد، چنانچه به نمایندگان دیپلماتیک دولت دیگر

خسارت وارد آورد، یا اتباع دولت دیگر را مخفی سازد، می‌توان گفت که مسئول است. (Harris, 2004, p. 505)

در حقوق بین‌الملل بر عکس آنچه که از سوی برخی سیستم‌های حقوقی در نظر گرفته شده است هیچ جایگاهی برای تفکیک میان رژیم مسئولیت ناشی از نقض معاهده و نقض دیگر قواعد وجود ندارد.<sup>۱</sup> وقتی ریشه تعهد نقض شده به عنوان یک تعهد بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد، رژیم واحدی از مسئولیت اعمال می‌شود.<sup>۲</sup> (Ibid, p. 520)

## ۲-۲ برابری منابع حقوق بین‌الملل و نظام واحد مسئولیتی

حقوق بین‌الملل نظامی است مبتنی بر همکاری و نه تبعیت و به همین علت طبیعی است که تمام قواعد بین‌المللی از اعتباری مساوی برخوردار بوده و سلسله مراتبی میان آنها متصور نباشد) زمانی، جایگاه قاعده آمره در... مجله حقوقی ۱۳۷۷، ص ۳۱۵ معاهده و عرف، که دو منبع مختلف از حقوق بین‌الملل هستند دارای ارزش حقوقی برابر می‌باشند.<sup>۳</sup> یک عرف موخر بر معاهده‌ای

۱ - « جمله معروف ماکس هیر فاو و حقوقدان بین‌المللی در قضیه مناطق اسپانیایی مراکش مشعر بر این که همه حقوقی که ماهیت بین‌المللی دارند مشتمل بر مسئولیت بین‌المللی می‌باشند موید این تلقی وسیع از مفهوم مسئولیت بین‌المللی است. در قضیه کارخانه کورزو که موضوع مسئولیت مطروحه در آن عبارت بود از نقض معاهده ۱۹۲۲ ژنو بین آلمان و لهستان، دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی اعلام می‌کند که « هر گونه نقض تعهدی مستلزم تعهد به جبران خسارت است» به همین سیاق کمیسیون دعاوی مشترک مکزیک و امریکا در رای مورخ جولای ۱۹۳۱ خود ضمن بررسی شرایط انتساب مسئولیت اعلام می‌کند که « عمل خلاف بین‌المللی عبارت از عملی است که مستلزم نقض تکلیف ناشی از معیارهای حقوق بین‌المللی است.» ( سیفی، پیشین، ص ۲۲۷)

۲ - در حقوق بین‌الملل همچنین تمایزی میان مسئولیت مدنی و کیفری دولتها به مانند آنچه که در سیستمهای حقوق داخلی جاری است وجود ندارد. مسئولیت دولت می‌تواند از نقض تعهدات دو جانبه یا تعهداتی که در قبال برخی از دولت‌ها یا جامعه بین‌المللی در کل وجود دارد ناشی شود و همچنین می‌تواند در بر دارنده نقض‌های کم اهمیت یا شدیدترین نقض‌های تعهدات اولیه حقوق بین‌الملل عام باشد. (Harris, Ibid).

۱- گفته شده که چون عرف در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان دائمی و سپس در اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بعد از معاهده معرفی شده بنابراین بعد از معاهده منبع دوم حقوق بوده در مقایسه با آن در درجه پایین‌تری قرار دارد. چنین برداشتی صحیح نیست چرا که در حقوق بین‌الملل سلسله مراتب شکلی میان منابع آن وجود ندارد. (کلود آلبر کلییار ۱۳۶۸، صص ۵۰۰ و ۴۹۹).

مقدم، غالب خواهد بود. درست به مانند معاهده‌ای که می‌تواند یک قاعده عرفی مقدم را اصلاح یا نسخ کند. (Reuter, op. cit, p. 140)

فقدان سلسله مراتب شکلی میان منابع حقوق بین‌الملل نه تنها میان معاهده و عرف بلکه میان دیگر منابع حقوق بین‌الملل نظیر اصول کلی حقوق و رویه قضایی و دکترین (به عنوان منابع فرعی) نیز جاری است. در رابطه با ارتباط این مبحث با وحدت نظام مسئولیت بین‌المللی باید گفت که با پذیرش فقدان سلسله مراتب میان منابع حقوق بین‌الملل (باستثنای قواعد آمره‌ی بین‌المللی)، تعددی هم به لحاظ نظام مسئولیتی بر این سیستم بار نخواهد شد<sup>۱</sup>. یعنی بر خلاف حقوق داخلی که در آن تعهدات قراردادی و غیر قراردادی حداقل از نظر منشاء مستقیم تعهد از درجه و مرتبه متفاوتی برخوردارند، در حقوق بین‌الملل چنین سلسله مراتبی میان منابع معاهده‌ای و غیر معاهده‌ای وجود ندارد که بتوان به استناد آن تعدد نظام‌های مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی را توجیه نمود. سیفی، پیشین، صص ۲۲۹ و ۲۲۸)



۲- برای دستیابی به اطلاعات بیشتر رک سید جمال سیفی، پیشین، صص ۲۲۸.

## نتیجه‌گیری

برقراری نظم و حفظ تعادل در عرصه نظام ملل متحد مرهون وجود تعهدات ثانویه بین‌المللی است که ایفای کامل و همه‌جانبه تعهدات اولیه بین‌المللی (تعهد به فعل یا ترک فعلی خاص از سوی تابعان بین‌المللی) را تضمین می‌نمایند. حوزه تعهدات ثانویه که همان حوزه ظهور و اجرای قواعد حقوق مسئولیت بین‌المللی است با هدف ایجاد مانع بر سر راه ناقضین تکالیف بین‌المللی، پا به میان گذارده و دولتها را به جبران تکالیف نقض شده ملزم می‌دارد. در نظر گرفتن چنین نقشی برای قواعد حقوق مسئولیت از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح مسئولیت بین‌المللی دولتها مصوب سال ۲۰۰۱، به خوبی بیانگر آن است که قانون‌مندی نظام بین‌المللی را نباید تنها در گرو تعهدات مبتنی بر اراده (معاهده و عرف) دانست چرا که در این صورت معضل نفوذ فزاینده دول قدرتمند در تن دادن به ایفای چنین تعهداتی همواره خود را نشان خواهد داد.

در نتیجه جامعه بین‌المللی به مدد وجود تعهدات ثانویه بین‌المللی به تعادل و توازنی مطلوب هر چند نسبی دست خواهد یافت چه آن که این تعهدات فارغ از وجود اراده‌های قبلی، دولتها را همواره به پاسخگویی برای نقض هر نوعی از یک تعهد بین‌المللی (خواه معاهده‌ای و خواه عرفی) وا می‌دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع

## الف: منابع فارسی

ذوالعین، پرویز، مبانی حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، موسسه انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۷.

رستم‌زاد، حسینقلی، جامعه بین‌المللی و تعهدات بین‌المللی Erga- omnes، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳۳، ۱۳۸۴.



- زمانی، سید قاسم، تقریرات درس حقوق مسئولیت بین‌المللی، دوره کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، سال تحصیلی ۸۵-۸۴.
- زمانی، سید قاسم، توسعه مسئولیت بین‌المللی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست، مجله پژوهشهای حقوقی، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، شماره‌های ۲ و ۱، ۱۳۸۱.
- زمانی، سید قاسم، جایگاه اصول و قواعد مسئولیت بین‌المللی دولتها در قضیه سکوهاى نفتی، مجموعه مقالات پیرامون رای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سکوهاى نفتی، دعوی جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده امریکا، مرکز پژوهشهای مجلس، ۱۳۸۴.
- زمانی، سید قاسم، جایگاه قاعده آمره در میان منابع حقوق بین‌الملل، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۲، ۱۳۷۷.
- سیفی، سید جمال، وحدت مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی بین‌المللی و آثار آن در حقوق معاهدات، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره‌های ۱۴ و ۱۳، ۷۳-۱۳۷۲.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، چاپ بیست و چهارم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۵.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق معاهدات بین‌المللی، تهران، چاپ سوم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۵.
- فلسفی، هدایت‌ا...، حقوق بین‌الملل معاهدات، تهران، نشر نو، ۱۳۷۹.
- فیوضی، رضا، مسئولیت بین‌المللی و نظریه حمایت سیاسی از اتباع، دوره دو جلدی، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- قاسم‌زاده، سید مرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول ۱۳۷۸.
- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، وقایع حقوقی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۷۷.

کلیبار، کلود آلبر، نهادهای روابط بین‌الملل (مجلد اول: سیر تحول حقوق بین‌الملل و نهادهای بین‌المللی و موجودیت بین‌المللی)، ترجمه و تحقیق: هدایت... فلسفی، تهران، نشر نو، چاپ اول، ۱۳۶۸.

لوراسا، میشل، مسئولیت مدنی، ترجمه: محمد اشتری، تهران، نشر حقوقدان، چاپ اول، ۱۳۸۵.

#### ب: منابع لاتین

1. Aust, Anthony, *Modern Treaty Law and Practice*, Cambridge University Press, First Published, 2000.
2. Brownlie. Ian, *Principles of Public International Law*, Clarendon Oxford press, Fifth Edition, 1998.
3. Crawford, James, Olleson, Simon, " The Exception of Non-Performance: Links Between the Law of Treaties and the Law of State Responsibility", *Australian Journal of International Law*, Vol, 21, 2000.
4. Crawford, James, *the International Law Commission's Articles on State Responsibility*, Oxford University Press, First Published. 2002.
5. Dupuy, Pierre Marie, " A General Stoktaking of the Connections Between the Multilateral Dimension of Obligations and Codification of the Law of Responsibility," *European Journal of International Law*, Vol. 13, No. 5, 2002.
6. Dupuy, Pierre Marie, " Dionisio Anzilotti and the Law of State Responsibility" *European Journal of International Law*, 1992.
7. Harris, DJ, *Cases and Materials on International Law*, London Sweet and Maxwell, Sixth Edition, 2004.
8. Kanton, Donald, and others, *International Law Cases and Materials*, Oxford University Press, First Published, 2005.
9. Marschik, Axel, " Too Much Order? The Impact of Special Norms on the Unity and Efficiency of International Legal System", *European Journal of International Law*, Vol.9, No. 1, 1998.
10. Reuter, Paul, *Interoduction to the Law of Treaty*, Trnslated from French by: Jose Mico and Peter Hagggen Mucher, A Publication of the Graduate Institute of International Studies, Geneva, 1995.

11. Tunkin, Grigory, " Is General International Law Customary Law Only?", European Journal of International Law, Vol. 4, 1993.

(ج) احکام و دعاوی دیوان بین المللی دادگستری و دیوان داوری بین المللی

1. Case concerning Gabcikovo- Nagymaros project, ICJ Reports, 1997.
2. Case concerning Rainbow warrior, I.L Reports, 1990.

(د) اسناد

1. YILC 1967, vol. 1, part. I.
2. YILC 1969, vol. 1.

عناوین اختصاری

1. AYIL: Australian Year Book of International Law.
2. E J I L: European Journal of International Law.
3. I C J Rep: International Court of Justice's Reports.
4. ILR: International Law Reports.
5. YILC: Year Book of International Law Commission.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی